

## معرفی سفرنامه‌ی دیگری از فریزر توصیف تاریخی ایران



مهناز بغیری\*



در ادامه‌ی بررسی کتاب‌ها و سفرنامه‌های موجود در مورد استرآباد، در این شماره به معرفی یکی دیگر از کتاب‌های جیمزبیلی فریزر به نام «گزارشی تاریخی و توصیفی از ایران از دوران اولیه تا کنون» پرداخته‌ایم. این کتاب که در سال ۱۸۳۴ توسط انتشارات ادینبورگ منتشر شده، تا کنون به فارسی ترجمه نشده است. نکته‌ی حایز اهمیت در مورد آثار فریزر، تعدد سفرهای او به ایران و میزان آشنایی او از این سرزمین است که موجب شده هر سفر او، مکمل سفر قبلی و هر سفرنامه‌اش، تکمله‌ای بر دیگری باشد. همین ویژگی باعث شده است که ارزش نوشته‌های فریزر در قالب «مجموعه آثار» تبلور پیدا کند.

کتاب «گزارش تاریخی و توصیفی از ایران» علاوه بر توصیفات در مورد افغانستان و بلوچستان، شامل نگرشی است دقیق به منابع، دولت، جمعیت، تاریخ طبیعی و شخصیت ساکنان ایران (به خصوص اقوام سرگردان).

\*کارشناس ارشد  
آموزش زبان  
انگلیسی

با وجود گستردگی و پیچیدگی موضوع از یک سو و نبودن منابع کافی و وافی از دیگر سو، فریزر توانسته با اتخاذ دسته‌بندی‌های مشخص و از طریق مشورت با مقامات ذی صلاح، تصویری درست و کامل از این بخش آسیای غربی به خوانندگان ارائه دهد. بنابر اظهار فریزر، آشنایی او با بسیاری از بخش‌های کشور، به وی در توصیف سیما، تولیدات، و ساکنین کشور، کمک اساسی کرده است. هم‌چنین او از مشاهدات مسافران جدید، هم در تصحیح دیدگاه‌های خود و هم در ارائه‌ی حقایق مکمل سود برده است. در پیش درآمد این کتاب، نام منابع و مآخذی که از آن‌ها در تصحیح مشاهدات نویسنده استفاده شده، آمده است. برای مثال، از میان آن‌ها می‌توان از منابع مورد استفاده در مورد دین زرتشت، مانند نوشته‌های انکوئیل دو پرون<sup>۱</sup>، ابی فوچر<sup>۲</sup> و ویلیام ارسکین<sup>۳</sup> نام برد. هم‌چنین وی اذعان می‌دارد که در نگارش مطالب مربوط به طبیعت و منابع دولت، طبقه‌بندی و شخصیت مردم که در فصول هشت، نه، و ده کتاب آمده، به مشاهدات خود اکتفا نکرده و از افراد ذی صلاح نیز بهره گرفته است و به همین دلیل هم هست که به زعم وی این فصول دربرگیرنده‌ی مسائل جدید و جذاب بسیاری می‌باشند. علاوه بر اهمیت این کتاب به خاطر وجود مطالبی در مورد زندگی ساکنان ایران و دولت حاکم این کشور با نگرشی توصیفی تاریخی، وجود اطلاعاتی در مورد تاریخ طبیعی ایران و گونه‌های جانوری و گیاهی این سرزمین، کتاب مزبور را از اهمیت ویژه‌ای برخوردار کرده است. در کنار اطلاعات نگاشته شده باید به تصاویر موجود در این کتاب نیز اشاره کرد که همگی به جز یک مورد - تصویر عباس میرزا- توسط نویسنده ترسیم شده‌اند.

این کتاب ۴۷۲ صفحه‌ای، متشکل از ۱۲ فصل است. در فصل اول، فریزر به توصیف کلی ایران می‌پردازد. در فصل دوم، ایالات ایران معرفی می‌شود و در فصل سوم، سخن از تاریخ باستانی ایران به میان می‌آید. در فصل چهارم، دین باستانی ایرانیان موضوع نویسنده بوده و در فصل پنجم، آثار باستانی ایران توصیف شده است. در فصل ششم، نویسنده به تاریخ ایران از زمان سقوط ساسانیان تا روی کار آمدن صفویان پرداخته و در فصل هفتم، آن را از صفویه تا زمان نگارش اثر، پی می‌گیرد. فصل هشتم، به منابع و دولت ایران اختصاص یافته و فصل نهم، مربوط به وضعیت دین، علم و ادبیات آن زمان ایران می‌شود. در فصل دهم، نویسنده به توصیف شخصیت ایرانیان می‌پردازد. فصل یازدهم، مربوط به افغانستان است و در نهایت فصل دوازدهم، اطلاعات مربوط به تاریخ طبیعی ایران را در بردارد.

نویسنده در فصل دوم، به توصیف ایالات؛ فارس، لرستان، خوزستان، اراک، کردستان، آذربایجان، گیلان، مازندران، استرآباد، خراسان، سیستان، کرمان و مکران، پرداخته است. آن چه در زیر می‌آید مشاهده‌ی نویسنده از استرآباد است که صرفاً به توصیف کلیات این ایالت و شهرهای آن مربوط می‌شود.

«استرآباد ایالت کوچکی است که از سمت جنوب به واسطه رشته کوه البرز از خراسان جدا

Anquetil du Perron - ۱

Abbe Foucher - ۲

Mr. William Erskine - ۳

می شود و در شمال محدود به دریای خزر و بیابانی است که به کرانه اش کشیده شده است. باور بر این است که خاست گاه مرکزش یعنی استرآباد مدیون یزید ابن مهلب است، ژنرال عرب تباری که در پایان قرن اول پس از اسلام قدرت گرفت. محیط شهر حدود سه و نیم مایل است که با دیوارهایی بلند، اما ویران محافظت می شود؛ خیابان ها سنگفرش خوبی دارند و در وسط زه کشی شده است؛ بازار بزرگ، اما خالی است؛ و هیچ بنای عمومی که ارزش دیدن داشته باشد وجود ندارد. به خاطر فراوانی چوب، خانه های این جا، همچون مازندران و گیلان، اغلب تماماً از چوب ساخته شده و با سفال سقف می شوند؛ و این در استرآباد، که روستاها کمتر با جنگل پوشیده شده اند، در حالی که کماکان با درخت درآمیخته اند، حسی خوشایند می آفریند که برخلاف ظاهر کسالت بار کلبه های گلی مناطق خشک ایران است. حدود شصت مایلی استرآباد به سمت غرب اشرف<sup>۴</sup>، اقامت گاه مورد علاقه ی شاه عباس قرار دارد که توصیف دقیقی از آن در کتاب [جونس] هانوی<sup>۵</sup> و هم چنین یکی از کتاب های<sup>۶</sup> نویسندگی این سطور<sup>۷</sup> آمده است.

قسمت شرقی استرآباد که اکنون گرگان، یا توسط برخی نویسندگان جرجان، نامیده می شود و بی شک با نام باستانی هیرکانیا مرتبط است، دشتی است که قسمتی از آن جنگلی و قسمتی دیگر پوشیده از علف زار است، که با رودخانه ای هم نام خود (رودخانه گرگان) و نیز اترک و نهرهای کوچک تر بسیاری آبیاری می شود و باقیمانده ی جمعیت گرگان، به طور انبوه در اطرافش پراکنده شده اند، اما ترکمن ها ابتدا آن جا را غارت کرده و سپس به عنوان زمین چرای رمه و گله های خود اشغال کردند.

یک برج باستانی، به نام گنبدقابوس بر تپه ای کوچک و احتمالاً مصنوعی، در این دشت وسیع قرار گرفته و از فاصله ی دور قابل رویت است. این برج دارای آجرکاری نفیسی است و به جز قسمت های پایینی آن که تلاش هایی موزیانه در جهت تخریب اش صورت گرفته، در شرایط عالی، همچون زمان ساختش است. دیوارها ۱۰ پا ضخامت دارند و ارتفاع حدود ۱۵۰ پا است. برج توخالی است، این حفره تا بالا که یک پنجره در سقف مخروطی نور می تاباند، تقسیم شده است. منشا برج مشخص است چراکه با دو کمر بند از حروف عربی نوشته شده است، (گرچه اکنون آن قدر محو شده که قابل خواندن نیست) و در میان تپه های سبز که گفته می شود: ویرانه های جرجان است، قرار دارد.»

همان طور که گفته شد، در این کتاب علاوه بر توصیف کلیات، در هر بخش، ذیل موضوعات و مدخل های مختلف، مطالبی در مورد استرآباد آمده است که هر کدام به نوبه ی خود، شایان توجه و ارزشمند هستند.

۴ - به شهر کنونی

۵ - تجارت بریتانیا در سواحل

جنوبی دریای خزر

۶ - سفر در کرانه دریای خزر

۷ - فریزر